

احادیث امام صادق علیه السلام در فرهنگ‌های لغت اهل سنت

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۵

قاسم بستانی؛ دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران

چکیده:

از دیر باز، یکی از منابع تدوین و نیز یکی از زمینه‌های تحقیق و بررسی لغت‌شناسان عرب، قرآن و حدیث بوده است و از جمله آن احادیث، احادیث معصومین علیهم السلام، مانند امام صادق علیه السلام بوده است. در این مقاله تلاش می‌شود بنابر فرهنگ‌های لغت اهل تسنن، احادیث امام صادق علیه السلام که در آنها گردآوری شده و سپس بنا بر دیگر کتب علوم اسلامی، تبارشناسی شده تا معلوم گردد که این احادیث، به غیر از کتب لغت، در کجا ذکر شده‌اند تا علاوه بر آشنا شدن با جایگاه امام صادق علیه السلام نزد عموم مسلمانان، جایگاه آن احادیث نیز شناخته شود.

فرهنگ‌های لغت مورد مراجعه، فرهنگ‌های لغت اصلی و عمده زبان عربی بوده و شامل فرهنگ‌های لغت عام و جامع و فرهنگ‌های لغت خاص به الفاظ قرآنی یا روایی و نیز فروق اللغه است.

این تحقیق گوشه‌ای از عظمت حضور فرهنگی و علمی امام صادق علیه السلام در یکی از حوزه‌های علوم اسلامی و عربی (واژه‌شناسی) و نیز شخصیت فرامذهبی این امام معصوم علیه السلام را به نمایش گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: امام صادق علیه السلام، حدیث، فرهنگ‌های لغت، اهل سنت.

مقدمه:

از دیر باز، یکی از منابع تدوین و تدقیق و نیز یکی از زمینه‌های تحقیق و بررسی لغت‌شناسان عرب، حدیث بوده است.^۱ هر چند در استناد به حدیث میان علمای زبان عربی اختلاف است. گفته شده که واضعان نخستین زبان عربی، مانند ابوعمر و بن علاء، عیسی بن عمرو، خلیل بن احمد و سیبویه از بزرگان مکتب بصره و کسائی، فرآء، علی بن مبارک الاحمر و هشام ضریر از بزرگان مکتب کوفه و نیز نحویان متأخر دیگر مکاتب، مانند مکتب بغداد و اندلس، به علت جواز نقل به معنا در حدیث و بلکه نقل به معنا شدن احادیث و عدم اطمینان به اصالت متن‌های آن، از استناد به احادیث خودداری می‌کردند.^۲ با وجود این، عملاً احادیث بسیاری از معصومین علیهم السلام و دیگر بزرگان اسلامی از صحابه و غیرهم در کتب لغت مورد استناد قرار گرفته‌اند. از جمله این بزرگان، امام صادق علیه السلام است.

در این مقاله تلاش می‌شود تا آنجا که امکان دارد، احادیث و نیز مواردی که در آنها از امام صادق علیه السلام به هر دلیلی ذکر شده است، استقصاء شده و سپس احادیث تبارشناسی شده تا معلوم گردد که آیا در دیگر علوم اسلامی ذکر شده‌اند یا آن که این احادیث به کتب لغت اختصاص دارند تا بدین گونه ابعاد حضور احادیث امام صادق علیه السلام و در نتیجه شخصیت علمی فرامذهبی ایشان شناخته شود؛ اما قبل از هر چیز، لازم است نکاتی ذکر گردد:

۱. فرهنگ‌های لغت مورد مراجعه، فرهنگ‌های لغت اصلی و عمده زبان عربی بوده و شامل فرهنگ‌های لغت عام و جامع و فرهنگ‌های لغت خاص الفاظ قرآنی یا روایی و نیز فروق اللغه هستند.

۲. تعداد کتب مورد مراجعه بیش از صد کتاب لغت است که بر اساس دو نرم افزار اصلی: مکتبه اهل البيت عليهم السلام و المکتبه الشامله مورد جستجو قرار

گرفته‌اند. لذا تعداد کتب مذکور در کتاب‌نامه این مقاله، حاکی از تعداد دقیق کتب مورد مراجعه نیست.

۳. گاهی احادیث به عنوان نمونه‌ای از کاربرد یک لغت استفاده شده‌اند؛ بدین گونه که ابتدا لغت مفهوم‌شناسی شده و سپس حدیثی که آن لغت در آن آمده به عنوان شاهد ذکر می‌شود و گاهی احادیث جهت بررسی لغت خاصی که در آنهاست، ذکر شده‌اند؛ بدین گونه که در ذیل مفهوم‌شناسی یک لغت، حدیثی که لغت خاصی از آن ریشه در آن آمده، ذکر و به مفهوم‌شناسی آن لغت پرداخته می‌شود.

۴. ذکر یک حدیث وقتی از اعتبار اولیه خود برخوردار می‌شود که حداقل در یکی از کتب حدیثی متقدم نقل شود. مسند بودنش، صحیح بودن رجال سندش، تعدد طرق روایتش، عدم اضطراب در نقل و عدم رکاکت لفظ و معنا که بابتی وسیع است،^۳ بر اعتبار این حدیث هر چه بیشتر می‌افزاید. لذا ذکر حدیث در کتب غیر حدیثی، مانند کتب لغت، در صورت عدم وجود معاضدی در کتب حدیثی با شرایط مذکور، بدان اعتبار خاصی نمی‌بخشد.

۵. در این مقاله فقط کتب لغت اهل سنت که در حقیقت عمده کتب لغت از آنان است، مورد توجه قرار گرفته؛ اما در بررسی احادیثی که در این کتب آمده و تبارشناسی آنها به منابع فریقین، مراجعه شده است. ضمناً در تبارشناسی، بیشتر به منابع قدیمی یا قدیمی‌ترین منابعی که مطلب مورد بحث در آن مشاهده شده، مراجعه شده است و کمتر به منابعی اشاره می‌شود که از منابع دیگر استفاده کرده‌اند که بیشتر منابع متأخرین چنین‌اند.

۶. غرض اصلی این مقاله، پیگیری و تبارشناسی احادیث منسوب به امام صادق علیه السلام در فرهنگهای لغت اهل سنت است، لذا به نقد و بررسی متن و محتوای آنها پرداخته نمی‌شود و به وضعیت سند نیز فقط از حیث مسند «با سند» یا مرسل «بدون سند یا با سندی ناقص» بودن اشاره می‌شود.

احادیث امام صادق علیه السلام در فرهنگ‌های لغت:

زیلاً بنابر استقصای صورت گرفته در فرهنگ‌های لغت معتبر اهل سنت، احادیثی که در این کتب به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده، ذکر و ملاحظاتی در خصوص هر یک، در صورت لزوم، ارائه می‌شود. گفتنی است که بررسی‌های انجام شده ذیل هر حدیث در دو بند ذکر می‌شود که بند اول در خصوص کتب لغتی که حدیث را ذکر کرده‌اند و بند دوم در خصوص بررسی‌ها و تبارشناسی‌های صورت گرفته است.

۱۰۱

حسنا

۱. «و جعل السن حاداً، لان به يقع الفرض، وجعل الضرس عريضاً لان به يقع الطحن والمضغ، ...»؛ و سن را تیز قرار داد؛ زیرا بدان بریدن و کندن صورت می‌گیرد و ضرس را پهن قرار داد؛ زیرا بدان خرد کردن و جویدن صورت می‌گیرد....

الف) به این حدیث در باره تفاوت میان «سن» و «ضرس» استناد شده است، از این جهت برخی آن دو را مترادف دانسته‌اند؛ اما اخبار دلالت دارد که این دو با هم متفاوت بوده و «سن» برای دندانهای جلوی تیز و «ضرس» برای دندانهای عقب پهن استفاده می‌شود و تصریح شده که این سخن از امام صادق علیه السلام و از دو کتاب «العلل» و «الخصال» نقل شده است.^۴

ب) این حدیث، بخشی از حدیث طولانی است که شیخ صدوق آن را از امام صادق علیه السلام مسنداً روایت کرده است^۵ و نیز ابن شهر آشوب^۶ اما بدون سند و احتمالاً با توجه به کتب شیخ صدوق.

۲. «من كان عاقلاً كان له دين، ومن كان له دين دخل الجنة»؛ هر کس دانا باشد، دین دارد و هر کس که دین دارد، به بهشت می‌رود.

الف) به این حدیث، برای تأیید این معنا که یکی از معانی عقل، نیروی دعوت کننده به خیرات و دوری کننده از سیئات و موجب خوشبختی اخروی است، استناد شده است.^۷

ب) حدیث مذکور توسط شیخ صدوق مسنداً نقل شده است^۸ و جایی دیگر مشاهده نشد.

۳. «العقل ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان»؛ عقل، چیزی است که بدان خداوند پرسیده و بهشت به دست می آید.

الف) به این حدیث نیز در باره مطلب مذکور فوقاً استناد شده است.^۹

ب) این حدیث بخشی از حدیثی است که از امام صادق علیه السلام مرسلأً منابع شیعی نقل شده است.^{۱۰}

۴. «تذاکروا عند الصادق الزوراء، فقالوا: الزوراء: بغداد. فقال الصادق: لیس الزوراء بغداد، ولكن الزوراء الری» نزد صادق [علیه السلام] از زوراء یاد شد، پس گفتند: زوراء همان بغداد است، پس صادق [علیه السلام] فرمود: زوراء بغداد نیست، بلکه ری است.

الف) این حدیث، به صورت مرسل از امام صادق علیه السلام در معنای «زوراء» ذکر و بدان استناد شده است. این اسم، چندین معنا دارد: قصری در حیره، ظرفی برای نوشیدن، محلی متصل به مدینه، محلی در سرزمین بنی آسد و مرغزار هشام در شام و بنابر قول منسوب به امام صادق علیه السلام، شهر ری.^{۱۱}

ب) این خبر علاوه بر مرسل بودنش، جایی دیگر جز^{۱۲} از منابع غیر شیعی مشاهده نشد.

۵. «عَنِّي بِه النَّاسَ وَجَعَلَ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ عَالَمًا»؛ مرادش از آن، مردم است و هر یک از آنها را عالم قرار داد.

الف) این حدیث در معنای «عالمین» در «رب العالمین» ذکر شده است.^{۱۳}

ب) این حدیث، علاوه بر مرسل بودن، جایی دیگر جز نزد فیروزآبادی^{۱۴} از امام صادق علیه السلام نقل مشاهده نشد. البته برخی از تفاسیر این مضمون را بدون ذکر گوینده‌اش یعنی امام صادق علیه السلام آورده‌اند.^{۱۵}

۶. «العالم عالمان الكبير وهو الفلك بما فيه، والصغير وهو الانسان لانه مخلوق على هيئة العالم وقد اوجد الله تعالى فيه كل ما هو موجود في العالم الكبير»؛ عالم، دو عالم است؛ بزرگ که فلک و آنچه در آن است و کوچک که انسان است؛ زیرا او آفریده‌ای بر شکل عالم و خداوند در او هر چه که در عالم بزرگ است، آفریده است.

الف) این حدیث، ذیل بحث «عالم» ذکر شده است.^{۱۶}

ب) حدیث مذکور، علاوه بر مرسل بودنش، در جایی دیگر با تصریح به گوینده‌اش امام صادق علیه السلام مشاهده نشد؛ اما برخی آن را بدون اشاره به گوینده ذکر کرده‌اند.^{۱۷}

۷. «سطران ونصف، لم يتم الثالث: عجباً للموقن بالرزق كيف يتعب، وعجباً للموقن بالحساب كيف يغفل و عجباً للموقن بالوت كيف يفرح، وقد قال: ﴿وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا﴾ (انبیاء: ۴۷)؛ دو خط و نیم و سومین پایان نیافته است: شگفتم از کسی که به روزی یقین دارد چگونه خسته می‌شود و شگفتم از کسی که به حساب یقین دارد چگونه غفلت می‌کند و شگفتم از کسی که به مرگ یقین دارد چگونه خوشحال می‌شود و همان فرمود: اگر مثقال دانه‌ای از خردل باشد، روزی آن را می‌دهیم.

الف) این حدیث در تفسیر عبارت قرآنی: ﴿وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا﴾ (کهف: ۸۲) مرسل^{۱۸} از امام صادق علیه السلام ذکر شده است.

ب) حدیث مذکور در منابع حدیثی مشاهده نشد؛ اما در برخی تفاسیر این حدیث مرسللاً به امام صادق علیه السلام منتسب شده است^{۱۹} و در برخی تفاسیر به فردی به نام عمر مولای غفره نسبت داده شده است^{۲۰} و او، عمر بن عبدالله مولای غفره بنت رباح خواهر بلال است که تضعیف شده است.^{۲۱}

۸. الف) نقل شده که امام صادق علیه السلام «خلفوا» در ﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلْفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ﴾ (توبه: ۱۱۸) را «خالفوا» خوانده است.^{۲۲}

ب) این مطلب، در حقیقت چکیده حدیث ذیل از امام صادق علیه السلام است: «... قال أبو عبدالله عليه السلام: كيف تقرأ «وعلى الثلاثة الذين خلفوا»؟ [نقل عیاشی اضافه شده: قلت: خلفوا]، قال: لو كان خلفوا لكانوا في حال طاعة [به نقل عیاشی اضافه شده: و زاد الحسين بن المختار عنه: لو كانوا خلفوا ما كان عليهم من سبيل] و ولكنهم «خالفوا» عثمان وصاحبه أما والله ما سمعوا صوت حافر ولا قعقعه «صدای» حجر إلا قالوا: أتينا وصاحبه أما والله ما سمعوا صوت حافر [به نقلی: كافر] ولا قعقعه حجر إلا قالوا: أتينا، فسلب الله عليهم الخوف [كل ليلة] حتى أصبحوا؛ امام صادق علیه السلام فرمود: كيف «على الثلاثة الذين خلفوا» را می خوانی، [گفت: خلفوا]، فرمود: اگر «خلفوا» باشد، در این صورت در حال طاعت خواهند بود [یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را جا گذاشت] و بر آنها کاری نمی توانستند بکنند] اما «خالفوا» است که مراد عثمان و دو یارش اند، به خدا سوگند که هیچ صدایی سمی یا سنگی نشنیدند، جز این که گفتند بر ما یورش آوردند و به خدا سوگند هیچ صدای سمی و سنگی را نشنیدند، جز این که گفتند بر ما یورش آوردند، پس خداوند بر آن [هر شب] تا صبح ترس مسلط کرد.^{۲۳} البته کلینی این حدیث را مسند و عیاشی مرسل نقل کرده اند.

برخی نیز به این قرائت، به عنوان قرائت امام صادق علیه السلام اشاره کرده‌اند^{۲۴} یا به طور کلی، قرائت اهل بیت علیهم السلام^{۲۵} یا قرائتی بدون ذکر قاری آن.^{۲۶} به هر حال، این گروه، علاوه بر این که به حدیث مرتبط بدین قرائت اشاره‌ای نکرده‌اند، به مراد از این قرائت - همچنان که در حدیث آمده است - نیز اشاره‌ای نکرده‌اند.

همچنین این قرائت، علاوه بر امام صادق علیه السلام، به امام زین العابدین علیه السلام، باقر علیه السلام و سلمی^{۲۷} یا بدون ذکر امام صادق علیه السلام، به ابورزین، ابومجلز، شعبی و ابن یعمر^{۲۸} نسبت داده شده است.

۹. «لم یکن فی نسب رسول الله صلی الله علیه وسلم شیء یعاب قال صلی الله علیه وسلم انا من نکاح لا من سفاح»؛ در نسب پیامبر صلی الله علیه و آله عیبی وجود ندارد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که من از ازدواج هستم نه از زنا یا محصنه. (الف) این حدیث در تفسیر ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ﴾ (توبه: ۱۲۸)؛ مرسلان نقل شده است.^{۲۹}

ب) عبارت صدر حدیث: «لم یکن فی نسب رسول الله صلی الله علیه وسلم شیء یعاب» در جایی دیگر مشاهده نشد؛ اما عبارت: «أنا من نکاح لا من سفاح»، مرسلان در قدیمی‌ترین منابع از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است.^{۳۰} همچنان که شبیه بدان به صورت: «خرجت أنا و أنت «علی» من نکاح لا من سفاح من لدن آدم إلى عبدالمطلب» از امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام ضمن حدیث طولانی نزد این منابع^{۳۱} ذکر شده که فقط نزد شیخ صدوق با سند است.

۱۰. «دلوک الشمس زوالها»؛ دلوک شمس، یعنی زوال و پایین آمدن آن است.

(الف) این حدیث در تفسیر لفظ «دلوک الشمس» از ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ (إسراء: ۷۸) ذکر شده است.^{۳۲}

ب) این حدیث به افراد ذیل نسبت داده شده است:

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله^{۳۳} که نقل محقق حلی مرسل و نقل هیشمی نیز به استناد منابع کهن‌تری است، هر چند که راوی آن را متروک می‌داند.
 ۲. امام باقر علیه السلام^{۳۴} که ابن ادریس مسنداً ذکر کرده و طریحی سند آن را صحیح می‌داند.
 ۳. امام صادق علیه السلام^{۳۵} که نقل ابن ادریس مسند است.
 ۴. ابن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله که سندش تضعیف شده است.^{۳۶}
 ۵. زید بن علی علیه السلام که مسند است.^{۳۷}
 ۶. شافعی که مرسل است.^{۳۸}
 ۷. ابن عباس که مرسل است.^{۳۹}
 ۸. ابن عباس، ابن عمر، جابر، ابوالعالیه، حسن، شعبی، عطا، مجاهد، قتاده، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که مرسل است.^{۴۰}
 ۹. ابن عمر، ابوبرده، حسن و جمهور که مرسل است.^{۴۱}
 ۱۰. ابن عمر که هر چند مرسل بوده و تصریح شده که سندش ضعیف است.^{۴۲}
 ۱۱. جمهور «عموم دانشمندان».^{۴۳}
 ۱۲. زجاج و ازهری.^{۴۴}
 ۱۳. ازهری.^{۴۵} البته خود ازهری آن را از قول ابن عباس ذکر کرده است.^{۴۶}
- همچنان که ملاحظه می‌شود انتساب این سخن به فرد خاصی امکان پذیر نیست، لذا چه بسا بتوان گفت که آن، تفسیری شایع نزد تمام فرق مسلمان بوده که ممکن است در اصل از قول معصوم باشد.
۱۱. «لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الْمُدْعَعُ قَالُوا وَمَا الْمُدْعَعُ؟ قَالَ وَلَدُ الزَّانَا؛ مُدْعَع، مَا أَهْلُ بَيْتٍ رَا دُوسْتًا نَادَرْد، كُفْتَنَنْد: مُدْعَعُ كَيْسْت؟ فَرْمُود: زَنَازَادَه.
 - الف) این حدیث مرسل، در ماده «ذعع» و برای «مدعع» به معنای ولد زنا ذکر شده است.^{۴۷}

ب) و فقط در منابع فوق الذکر مشاهده شده که به احتمال زیاد اصل این نقل از ابن اثیر است؛ زیرا مقدم بر دیگران است.

۱۲. «لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الْخَيْعَامَةُ»؛ خیعامه، ما اهل بیت را دوست ندارد.

الف) این حدیث مرسلأً، در ماده «خیعم یا خعم» و برای معنای «خیعامه» به معنای مرد مفعول ذکر شده است.^{۴۸}

۱۰۷ ب) حدیث مذکور، فقط در منابع فوق الذکر مشاهده شده که به احتمال قوی اصل نقل از ابن اثیر است.

حسنا

۱۳. «لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ كَذَا وَكَذَا وَلَا وَلَدُ الْمِيَافَعَةِ»؛ ما را اهل بیت، فلان و فلان و زنازاده دوست ندارد.

الف) این حدیث مرسلأً، در ماده «یفع» و برای «میافعه» به معنای ولد زنا ذکر شده است.^{۴۹} و برخی نیز آن را این گونه نقل کرده‌اند: «لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَدُ الْمِيَافَعَةِ».^{۵۰}

ب) حدیث مذکور، فقط در منابع مذکور این حدیث مشاهده شده که به احتمال قوی اصل نقل از ابن اثیر است.

۱۴. «قِيلَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا يَأَلُ الْعَقْرَبُ مُعْتَاطَةً عَلَى ابْنِ آدَمَ؟ فَقَالَ تُرِيدُ الْبَوَاءَ»؛ به ایشان گفته شد: چرا عقرب بر فرزند آدم خشمگین است؟ پس فرمود: اذیت و آزار.

الف) این حدیث مرسلأً در ماده «بوا» و برای «بواء» به معنای اذیت و آزار ذکر شده است.^{۵۱}

ب) حدیث مذکور، فقط در منابع فوق الذکر مشاهده شده که به احتمال زیاد اصل این نقل توسط ابن اثیر است؛ زیرا مقدم بر دیگران است.

۱۵. «الرَّحْمَنُ اسْمٌ خَاصٌّ لِصِفَةِ عَامَّةٍ وَ الرَّحِيمُ اسْمٌ عَامٌّ لِصِفَةِ خَاصَّةٍ؛ الرَّحْمَنُ اسْمٌ خَاصٌّ بَرای صِفَتی عَامٌّ وَ الرَّحِيمُ اسْمی عَامٌّ بَرای صِفَتی خَاصٌّ اسْت.»
 الف) این حدیث در ماده «رحم» و برای معنای «الرحمن و الرحیم» ذکر شده است.^{۵۲}

ب) حدیث مذکور در منابع زیادی آمده است^{۵۳} که در همه بدون سند بوده و در کتب حدیثی نیز مشاهده نشد و ظاهراً اصل آن از ابوهلال عسکری است.

۱۶. «اطَّلَعَ عَلَيَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَأَنَا أُتِفْتُ صِرّاً بِه نَقْلَ حَرْبِي أَضَافَةً شَدِيدَةً اسْت.» اَطَّلَعَ عَلَيَّ عَلِيُّ بْنُ حُسَيْنٍ وَأَنَا أُتِفْتُ طَيِّراً فَأَخَذَ صُدُغِي فَتَنَّفَهُ وَقَالَ: أَيُوجِعُكَ هَذَا؟؛ فرزند حسین بر من وارد شد، در حالی که پره‌های گنجشکی را می‌کندم [پس زلف من را گرفت و کند و گفت: دردت آمد؟].

الف) این حدیث در ماده «صرر» برای «صرر»، نوعی پرنده شبیه به گنجشک یا خود گنجشک و ماده «نتف» برای «انتف»، از معنای کردن، ذکر شده است^{۵۴} که فقط نزد حربی مسند است.

ب) حدیث مذکور فقط در منابع بالا مشاهده شد که به احتمال زیاد منشأ آن حربی که متقدم‌ترین آنهاست.

۱۷. در جواب شکایت فردی از درد شکم: «كُلُّ عَلَى الرِّيقِ سَبْعَ تَمَرَاتٍ مِنْ نَخْلٍ غَيْرِ مُعَرِّيٍّ؛ نَاشِئَةً هَفْتِ خَرْمَا مِنْ دَرِيحِ خَرْمَايِي كَمَا كُودَ دَادَهُ نَشَدَهُ، بِخَوْر.»

الف) بدین حدیث، در ماده «عری» و برای «معری» به معنای کود داده نشده، اشاره شده است.^{۵۵}

همچنین این حدیث بدین گونه نیز آمده است: «كُلُّ سَبْعَ تَمَرَاتٍ مِنْ نَخْلَةٍ غَيْرِ مَعْرُورَةٍ»^{۵۶} که در ماده «عرر»، برای «معرور» به معنای آلوده شده به سرگین یا کود داده شده استناد شده است. البته ابن جوزی «ثمرات» آورده که به احتمال بسیار اشتباه است؛ چون همنشین «نخل»، «تمره» است.

ب) حدیث مذکور، جایی دیگر دیده نشد و در منابع بالا نیز مرسل و به احتمال زیاد از ابن اثیر یا ابن جوزی گرفته شده است؛ زیرا این دو قدیمی‌تر و تقریباً معاصرند.

۱۸. «کونوا قَشَشًا».

الف) بدین عبارت، در ماده «قشش» و برای «قشش»، جمع «قشش» به معنای میمون یا بچه آن یا جانوری شبیه به سرگین غلطان یا شبیه به سوسک یا بچه ناقص استناد شده است.^{۵۷}

ب) این عبارت به عنوان حدیث، جایی دیگر مشاهده نشد و در منابع مذکور نیز مرسل است و احتمالاً اصل آن نزد ابن اثیر است. ضمن این که این عبارت، معنای چندان واضحی ندارد و معلوم نیست که مراد از این سخن چیست؟

۱۸. الف) در سؤالی در باره مردمی که مفعول واقع می‌شوند، فرمود: «رحم منکوسه یؤتی ولا یأتی، وما کانت هذه الخصلة فی ولی الله تعالی أبدا قط، وإنما کان فی الفساق والکفار والناصب للطاهرین»؛ رحمی واژگون که مفعول واقع می‌شود و این خصلت در ولی خدا هرگز نباشد، بلکه از آن فاسقان و کافران و تهمت زنان به پاکان است.^{۵۸} یا «لا یجیننا ذو رحیم منکوسه»؛ فرد مفعول ما را دوست ندارد.^{۵۹}

زبیدی این حدیث را مرسل؛ اما با ذکر افراد ذیل در سند: أبو عمر الزاهد «محمد بن عبدالواحد معروف به غلام ثعلب، م. ۳۴۵ هـ»، از عطافی از مردانش و ابن اثیر به طور کلی، مرسل روایت کرده‌اند.

همچنین باید گفت که این دو حدیث که شبیه هم هستند، در ماده «نکس» و برای «منکوسه» به معنای واژگون، در عبارت «ذو رحم منکوسه» به معنای فرد مفعول استناد شده است.^{۶۰}

ب) حدیث زبیدی در منابع ذیل نیز ذکر شده است^{۶۱} که به احتمال زیاد مجلسی و زبیدی این حدیث را از ابن ابی الحدید گرفته‌اند و حدیث ابن اثیر نیز جایی دیگر مشاهده نشد، هر چند به نظر می‌آید که نقل ابن اثیر که قدیمی‌ترین آنهاست، به صورت نقل به معنا بوده و از همان منبعی استفاده کرده که احتمالاً ابن ابی الحدید استفاده کرده است. فعلاً منبعی قدیمی‌تر که این حدیث را ذکر کرده باشد، مشاهده نشد.

۱۹. به مردی فرمودند: «نَعَمْ يَا أُورَةَ»؛ بله ای نادان.

الف) این عبارت، در ماده «وره»، برای «آوره» به معنای احمق و نادان ذکر شده است.^{۶۲}

ب) چنین عبارتی، جایی دیگر مشاهده نشد. ضمناً از آنجا که صدر این عبارت مشخص نشد، لذا معلوم نیست که چنین عبارت توهین‌آمیزی چرا و به چه قصدی بر زبان امام علیه السلام جاری شده است.

۱۹. «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَفِيفَةُ فِي فَرْجِهَا، الْعَلِمَةُ لزوجها»؛ بهترین زنان شما پاکدامن در فرج خود و شهوانی برای شوی خود است.

الف) این حدیث مسنداً، در بحث وظائف و ویژگیهای یک زن خوب، از امام صادق علیه السلام از پدرش از علی علیه السلام ذکر شده است^{۶۳}. اما ظاهراً لفظ «العلمة» در اینجا اشتباه بوده و درست آن «الغلمة» (شهوتمی) است (خواهد آمد)، به خصوص آن که «العلمة» در اینجا هیچ معنای درستی نمی‌دهد.

همچنان که حدیث مذکور به اشکال زیر مرسلأ و بدون انتساب به کسی نقل شده است:

۱. «خَيْرُ النِّسَاءِ الْغَلْمَةُ عَلِيٌّ زَوْجِهَا الْعَفِيفَةُ بِفَرْجِهَا».^{۶۴}

۲. «خَيْرُ النِّسَاءِ الْغَلْمَةُ عَلِيٌّ زَوْجِهَا».^{۶۵}

این در حالی است که ابن قتیبه و دیگر منابع متقدم بر آنها (همچنان که می‌آید) برای این عبارت، گوینده‌ای ذکر کرده‌اند و چه به سبب تعدد قائلین، از ذکر قائلی برای آن خودداری شده است.

(ب) این حدیث با لفظ «الغلمة» به اشکال ذیل نقل شده است:

(الف) مسنداً از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله :

۱. «خیر نسائکم العفیفة الغلمة (شهوئی)». ^{۶۵} البته این حدیث را حر عاملی ^{۶۷} از کلینی؛ اما بدون انتساب آن به کسی و نیز طریحی ^{۶۸}، بدون ذکر منبع و بدون انتساب به کسی نقل کرده‌اند که به احتمال قوی، نقل آنها ناظر بر نقل کلینی است.

۲. «خیر نسائکم العفیفة الغلمة العفیفة فی فرجها و غلمة علی زوجها». ^{۶۹}

(ب) مسنداً از انس از پیامبر صلی الله علیه و آله :

۱. «خیر نسائکم العفیفة الغلمة». ^{۷۰}

۲. «خیر نسائکم العفیفة الغلمة عفیفة فی نفسها و غلمة علی زوجها». ^{۷۱}

(ج) مرسلأً از پیامبر صلی الله علیه و آله :

۱. «خیر نسائکم العفیفة الغلمة عفیفة فی نفسها و غلمة علی زوجها». ^{۷۲}

۲. «خیر النساء العفیفة الغلمة علی زوجها العفیفة فی فرجها». ^{۷۳}

(د) مرسلأً از امام صادق علیه السلام از علی علیه السلام :

۱. «خیر نسائکم العفیفة فی فرجها الغلمة لزوجها». ^{۷۴}

(ه) مرسلأً از علی علیه السلام :

۱. «خیر نسائکم العفیفة فی فرجها الغلمة لزوجها». ^{۷۵}

۲. «خیر النساء العفیفة فی فرجها المغتلمة لزوجها». ^{۷۶}

گفتنی است که اهل سنت، سند حدیث خود را ضعیف دانسته‌اند. مجلسی ^{۷۷} این حدیث را از راوندی نقل می‌کند؛ اما عبارت قاضی نعمان را می‌آورد. شیعه معمولاً

این حدیث را از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل سنت از انس از پیامبر صلی الله علیه و آله یا از علی علیه السلام نقل کرده‌اند.
 ۲۰. «إِنَّ الْمُقَدَّادَ بْنَ الْأَسْوَدِ دَخَلَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالسُّقْيَا وَ عَلِيٌّ يَنْجَعُ بِكَرَاتٍ لَهُ ذَقِيقًا وَ خَبَطًا»؛ همانا مقداد بن اسود بر علی [علیه السلام] در سُقیا وارد شد در حالی که علی [علیه السلام] شتران کم سال خود را با آرد و برگ، تعلیف می‌کرد.

الف) به این حدیث، در ماده «نجع» به معنای غذا دادن به حیوان و به اصطلاح تعلیف آن، از مالک از امام صادق علیه السلام از پدرش اشاره شده است.^{۷۸}
 ب) همچنان که ابن قتیبه تصریح دارد، این حدیث را مالک بن انس مسنداً از طریق خود از امام صادق علیه السلام از پدرش، در حدیثی طولانی در خصوص جواز جمع میان عمره و تمتع روایت کرده است.^{۷۹}

همچنین این حدیث به اشکال ذیل اسناد شده است:

الف) از علی علیه السلام و به نقل از مالک.^{۸۰}

ب) از علی علیه السلام؛ اما بدون سند و ذکر منبع.^{۸۱}

ج) بدون انتساب به کسی و ذکر منبع.^{۸۲} ظاهراً اصل این حدیث از مالک است.

۲۱. «قتل علی علیه السلام وهو ابن ثمان وخمسين»؛ علی علیه السلام در سن ۵۸ سالگی شهید شد.

الف) به این حدیث، در معنای «ذرف علی» در سخنی از علی علیه السلام: «ها أنا الآن قد ذرفت علی السنین، ولكن لا رأی لمن لا يطاع»^{۸۳} اشاره شده است؛ از آنجا که در این عبارت می‌تواند به معنای «مشرف شدن» یا «گذشتن» معنا بدهد و برای تأیید معنای اول، به این حدیث امام صادق علیه السلام استناد شده است.^{۸۴}

ب) حدیث مذکور از امام صادق علیه السلام و ائمه علیهم السلام به شکل ذیل نقل شده است:

۱. امام علی علیه السلام.^{۸۵}

۲. امام علی علیه السلام، حسین علیه السلام و زین العابدین علیه السلام و باقر علیه السلام.^{۸۶}

۲. علی علیه السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام^{۸۷} که ذهبی اضافه می‌کند که در مورد حسن علیه السلام درست نیست و ایشان در چهل و اندی رحلت کرده‌اند.

۳. حسین علیه السلام.^{۸۸}

۴. علی علیه السلام، حسین علیه السلام و زین العابدین علیه السلام.^{۸۹}

۵. از امام صادق علیه السلام و برای علی علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام و زین العابدین.^{۹۰}

۶. زین العابدین علیه السلام.^{۹۱}

۷. برای باقر علیه السلام.^{۹۲}

عمده منابع اهل سنت، این حدیث را با سند ذکر می‌کنند و منابع شیعی یا بدون سند است یا بر اساس سند اهل سنت و گروهی اندک^{۹۳} آن را به نقل از امام باقر علیه السلام و در مورد علی علیه السلام و نیز بدون سند و منبع ذکر کرده است.

۲۱. «إِنَّهٗ كَرِهَ الِهْمَزَ فِي الْقُرْآنِ» (همانا او از تهمیز در قرآن بیزار بود).

الف) این عبارت، مرسلاً از امام صادق علیه السلام در بحث نحوه خواندن نماز و در خصوص نحوه خواندن نماز پدرشان، امام باقر علیه السلام نقل شده است که مراد قرائتی آسان و راحت است.^{۹۴}

ب) این سخن جای دیگری به غیر منبع بالا مشاهده نشد.

۲۲. « إِنَّهٗ [صلى الله عليه و آله] كَفَنَ فِي ثَوْبَيْنِ صَحَارِيِّينِ وَثَوْبِ حَبْرَةَ » (همانا او در دو جامه سرخ رنگ و یک جامه زرد، کفن گشت).

الف) به این حدیث، مسنداً از امام صادق علیه السلام از پدرش، در بررسی کلمه «صحره» به معنای سرخ کم رنگ، ذکر شده است.^{۹۵} همچنان که برخی آن را مرسلأ و بدون ذکر قائلی آورده‌اند،^{۹۶} در حالی که خطابی و منابع متقدم (خواهد آمد) به قائلی اشاره کرده‌اند و چه بسا به جهت تعدد قائلین، آن را از قول کسی ذکر نکرده‌اند.

ب) این عبارت که بخشی از حدیث است، از افراد ذیل نقل شده است:

۱. مرسلأ از علی علیه السلام.^{۹۷}
 ۲. مرسلأ از العالم از علی علیه السلام.^{۹۸}
 ۳. زین العابدین علیه السلام^{۹۹} که در دو منبع اول، مسند است.
 ۴. امام باقر علیه السلام^{۱۰۰} که نزد شیخ طوسی مسند است.
 ۵. مسنداً از امام صادق علیه السلام.^{۱۰۱}
 ۶. مسنداً از امام صادق علیه السلام از پدرش.^{۱۰۲}
 ۷. مرسلأ از امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام از زین العابدین علیه السلام.^{۱۰۳}
 ۸. مرسلأ و بدون انتساب به کسی.^{۱۰۴}
۲۳. «إنه [صلی الله علیه و آله] كان أفلیج الأسنان أشنبها وكان سهل الخدين صلتها فعم الأوصال وكان أكثر شيبه في فودی رأسه وكان إذا رضى وسرراً فكان وجهه المرأة وكان الجدر تلاجك وجهه وكان فيه شيء من صور، يخطو تكفؤاً ويمشي الهويئى يبد القوم إذا سارع إلى الخير أو مشى إليه ويسوقهم إذا لم يسارع إلى شيء بمشيئه الهويئى» (او صلی الله علیه و آله دارای دندانهایی جدا از هم و درخشان و گونه‌هایی نرم و بدنی محکم بود و بیشتر موهای سفیدش دو طرف سرش بود و نرم قدم برمی داشت و اگر به سوی خیر باشد از مردم سبقت می گرفت و اگر به سوی چیزی با قدمهایی نرم شتاب نداشت، مردم را به جلو می راند).

الف) این حدیث که وصف پیامبر صلی الله علیه و آله است، مسنداً و جهت بررسی برخی از الفاظ آن، یعنی: فلج(دوری میان دندانهای ثنایا و رباعیات)، شنب(درخشان‌دگی دندان)، فعم(لبریز)، أوصال(أعضای بدن)، فودان(دو طرف سر)، ملاحکة(بسیار مناسب و متلائم)، صَوْرَ(کجی) و هوینی(نرم راه رفتن)، از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام و نیز از عائشه^{۱۰۵} و نیز مرسلأً فقط از عائشه^{۱۰۶} نقل کرده‌اند.

۱۱۵

حسنا

ب) حدیث مذکور، بدین لفظ جایی دیگر مشاهده نشد؛ اما شبیه به آن از افراد زیر نقل شده است:

۱. مسنداً از عائشه.^{۱۰۷}

۲. مسنداً از امام حسن علیه السلام.^{۱۰۸}

۳. به صورت جمع‌بندی از علی علیه السلام، ابن عباس، أبوهریره، جابر بن سمره و هند بن ابی هاله و از منابعی چون: الشمائل ترمذی، التاريخ طبری، الفائق زمخشری(ظاهراً در این کتاب از عائشه نقل شده است).^{۱۰۹}

۴. به طور جمع بندی شده از اقوال متقدمین به طور کلی.^{۱۱۰}

۲۴. «کان قماع سیف رسول الله ورقاً نقره». این حدیث، مسنداً از امام صادق علیه السلام از پدرشان علیه السلام و ظاهراً در بررسی لغت «قماع» ذکر شده است.^{۱۱۱}

ب) چنین حدیثی جایی دیگر مشاهده نشد، بلکه برای کلمه «قماع» که معنای مناسبی در اینجا داشته باشد، نیز معنایی پیدا نشد و اما شبیه بدین حدیث مسنداً از انس و سعید بن ابی الحسن چنین نقل شده است: «کانت قبیعة سیف رسول الله فضة»؛ سردسته شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله از نقره بود^{۱۱۲} و سند نیز تضعیف شده است^{۱۱۳} و نیز از ابی امامه بن سهل بن حنیف.^{۱۱۴}

۲۵. «إنه [صلى الله عليه و آله] سئل عن المسوخ فقال ثلاثه عشر الفيل والذب والخنزير والقرد والجريث والضب والوطواط والعقرب والدعموص والعنكبوت والأرنب وسهيل والزهره» (از پیامبر صلى الله عليه و آله در باره مسخ شدگان پرسیده شد، پس فرمود که آنها ۱۳ تا می‌باشند: فیل، خرس، خنزیر، بوزینه، اسپیلی (نوعی ماهی)، سوسمار، خفاش، عقرب، کفچلیزک (نوعی کرم)، عنکبوت، ستاره سهیل و زهره).

الف) این حدیث، در دنباله بحث از حدیثی مرسل از علی علیه السلام: «لا تأكلوا الأنكليس من السمك» ذکر شده است؛ از آن جهت که برخی «أنكليس» (انگلیس به کسر و فتح همزه، مارماهی) را در اینجا، «جرّیث» (جرّیت، اسپیلی) دانسته‌اند و این که حدیث «أنكليس» اصلی ندارد و خوردن «جرّیث» نیز به سند ثابت از علی علیه السلام منقول است و چه بسا حدیث «أنكليس» اگر صحت داشته باشد، دلالت بر کراهت می‌کند و حدیثی وجود ندارد که خوردن «جرّیث» (اسپیلی) را حرام کند مگر حدیث «مسخ»، از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از پدر بزرگش علیه السلام از علی علیه السلام از پیامبر صلى الله عليه و آله (مسنداً) است که این نیز اصلی ندارد.^{۱۱۵}

ب) حدیث «مسخ»، بخشی از حدیثی است که مسنداً از امام صادق علیه السلام از اجدادش علیه السلام از علی علیه السلام از پیامبر صلى الله عليه و آله نقل شده است^{۱۱۶} و اهل سنت نیز آن را به نقل برخی مانند زبیر بن بکار در الموفقیات، ابن مردویه و دیلمی از علی علیه السلام از پیامبر صلى الله عليه و آله آورده‌اند،^{۱۱۷} هر چند که آن منابع مورد اشاره آنها پیدا نشد.

همچنان که شبیه بدین حدیث مسنداً از امام رضا علیه السلام روایت شده است.^{۱۱۸}

ضمن این که حدیث «أنکلیس» نیز مرسلأً از علی علیه السلام نقل شده است؛^{۱۱۹} اما چنین حدیثی نزد شیعه مشاهده نشد، بر خلاف حدیث مسوخ که نزد شیعه و اهل سنت نقل شده است.

۲۶. «شکا ناس إلی رسول الله صلی الله علیه و سلم کثره المشی فدعا لهم وقال علیکم بالنسلان وقالوا فنسلنا فوجدناه أیسر علینا»؛ مردم از بسیاری راه رفتن نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت بردند، پس برایشان دعا کرد و فرمود که شبیه به دو راه بروید و گفتند که چنین کردیم و دیدیم که این راه رفتن برای ما راحت تر است.

الف) این حدیث برای بررسی واژه «نسلان»، راه رفتنی شبیه به دو، به طور مسند از امام صادق علیه السلام از پدرش از جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است^{۱۲۰} و ادعا شده که این حدیث نزد شیعه است^{۱۲۱} در حالی که همچنان که ملاحظه می شود، شیعه بدین لفظ چنین حدیثی را روایت نمی کند.

نیز شبیه بدین حدیث؛ اما مرسلأً از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است.^{۱۲۲}
ب) این حدیث مسنداً از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از جابر توسط برخی نقل شده است.^{۱۲۳}

همچنین شبیه بدان، منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله؛ اما مرسلأً نقل شده است^{۱۲۴} یا مسنداً از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله^{۱۲۵} و بدون سند از پیامبر صلی الله علیه و آله.^{۱۲۶}

گفتنی است که همه منابع بالا به جای «أیسر»، «أخف» آورده اند و در روایتهای شیعی، نامی از جابر نیست.

۲۷. «إنما شفاعَةُ رسولِ اللهِ صلی اللهُ علیه و سلم لمن أوبق نفسه وأغلق ظهره»؛ همانا شفاعت پیامب صلی الله علیه و آله برای کسی است که به هلاکت افتاده و از بار گناه سنگین شده است.

(الف) این حدیث برای بررسی عبارت «أوبق نفسه» به معنای خود را هلاک کرد و «أغلق ظهره» به معنای پشتش را (از گناه) سنگین کرد، به طور مسند از امام صادق علیه السلام از پدرش از جابر ذکر شده است.^{۱۲۷}

(ب) حدیث مذکور، بخشی از حدیثی است که مسنداً از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از جابر نقل شده است.^{۱۲۸}

برخی نیز رسلاً از جابر آن را نقل کرده‌اند^{۱۲۹} که این حدیث را در باب «غلق» با این تفاوت که به جای «أوبق»، «أوثق» آورده‌اند.

۲۸. «العافیة موجودةٌ مجهولةٌ»؛ تندرستی موجود است؛ اما قدر آن دانسته نمی‌شود. (الف) این حدیث، رسلاً از امام صادق علیه السلام در بررسی لفظ «العافیة» به معنای تندرستی، نقل شده است.^{۱۳۰} (ب) حدیث مذکور جایی دیگر مشاهده نشد.

۲۹. «إن رسول الله صلی اللهُ علیه وسلم تلا: ﴿قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (فصلت: ۳)، ثم قال: أَلْهَمَ إِسْمَاعِيلُ هَذَا اللِّسَانَ الْعَرَبِيَّ إِيَّاهُمْ؛ همانا پیامبر صلی الله علیه و آله خواند: قرآناً عربياً لقوم يعلمون، سپس فرمود: این زبان عربی به اسماعیل به نیکویی الهام شده است.

(الف) به این حدیث، در بحث از زبان عربی و جایگاهش اشاره شده است.^{۱۳۱} ضمن این که سیوطی تصریح دارد که این حدیث را از حاکم در المستدرک و بیهقی در شعب الإیمان نقل می‌کند.

(ب) این حدیث همچنان که سیوطی تصریح دارد، مسنداً از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از جابر در منابع مذکور نقل شده است.^{۱۳۲}

همچنان که مرسلأً از جابر فقط؛ اما با توجه به منابع قبلی ذکر شده است^{۱۳۳} یا بدون سند و انتساب به کسی.^{۱۳۴}

۳۰. «لَا يُحِبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الْأَحْدَبُ الْمُوجَّهَ، وَلَا الْأَعْوَرُ الْبَلْوَرَةَ؛» گوژپستی که جلو و عقب بدنش گوژ است و یک چشم چشم برآمده، ما را دوست ندارند.
الف) این حدیث مرسلأً از امام صادق علیه السلام در ماده «بلر» و برای «بلوَرَة» به معنای برآمده، نقل شده است.^{۱۳۵}

ب) این حدیث جایی دیگر مشاهده نشد و ظاهراً اصل آن از ابن اثیر است.
۳۱. «لُقِّبَ (أَبُو بَكْرٍ) بِالْعَقِيقِ (لِجَمَالِهِ)؛» ابوبکر به جهت زیباییش به عقیق ملقب شده است.

الف) این سخن، مرسلأً از امام صادق علیه السلام در ماده «عتق» و برای «عتیق» لقب ابوبکر، به معنای زیبارو، نقل شده است.^{۱۳۶}
ب) این سخن، جایی دیگر مشاهده نشد.

۳۲. «لَا يُخْرَجُ فِي الصَّدَقَةِ الْجَعْرورِ وَلَا لَوْنِ حُبَيْقٍ؛» در صدقه، جعرور (نوعی خرمای نامرغوب) و لون حبیق (نوعی خرمای نامرغوب) داده نمی شود.

الف) ابن منظور، در ماده «حق» و برای «بنات الحقیق» که نوعی خرما است، اظهار می دارد که درست آن «الحُبَيْق» است و از قول ازهری به حدیث بالا از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام اشاره می کند.^{۱۳۷}

همچنین شبیه بدان حدیث مرسلأً از پیامبر صلی الله علیه و آله: «نهی رسول الله صلی الله علیه و سلم عن الجعرور و لون الحبیق أن يؤخذ فی الصدقة» نقل شده است^{۱۳۸} یا بدون انتساب به کسی^{۱۳۹} نیز نقل شده است.

ب) چنین حدیثی نه در لفظ؛ بلکه در معنا، نزد آزه‌ری مسنداً از مالک از انس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است^{۱۴۰} و مرسلماً از پیامبر صلی الله علیه و آله^{۱۴۱} که ظاهراً بر اساس همان قول مالک از انس است.

همچنان که مسنداً از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: «لا یؤخذ فی الصدقة الجعور (نوعی خرما) ولا مصران الفارة (نوعی خرما)، ولا عذق (درخت خرما) ابن حبیق»^{۱۴۲} و نیز مرسلماً^{۱۴۳} یا به صورت: «أن رسول الله صلی الله علیه و سلم: رد الجعور، ولون حبیق»^{۱۴۴}.

و نیز مسنداً از پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت ذیل نقل شده است: «نهی رسول الله صلی الله علیه و سلم عن الجعور و لون الحبیق أن یؤخذ فی الصدقة»^{۱۴۵} و مرسلماً^{۱۴۶}.

همچنان که مسنداً نیز از امام صادق علیه السلام از پدرش این حدیث به شکل ذیل: «لا یخرج فی الصدقة الجعور و لا معی الفارة و لا عذق ابن حبیق»^{۱۴۷} و نیز مسنداً از امام صادق علیه السلام از پدرش از پیامبر صلی الله علیه و آله^{۱۴۸} نقل شده است.

نتیجه گیری:

با توجه به اهمیتی که از دیر باز لغت‌شناسان نسبت به احادیث امام صادق علیه السلام به قصد توضیح لغت مشکل آن یا استناد بدان برای تأیید معنایی، از خود نشان داده‌اند، آشکار می‌شود که شخصیت امام صادق علیه السلام شخصیتی فراگیر و تأثیرگذار در علوم مختلف اسلامی و عربی بوده است. هر چند باید گفت که عمده احادیث امام صادق علیه السلام که در این کتب ذکر شده، در جایی دیگر، مشاهده نشده است و بسیاری از آنها نیز مرسل بوده و برخی با وجود سند، تضعیف شده‌اند و معدود احادیث مذکور در این کتب که در دیگر منابع و کتب

علوم اسلامی و عربی دیده می‌شوند، اثری از آنها در کتب حدیثی معتبر و قابل اتکای شیعی یا سنی نیست. البته در این مقاله، چندان به نقد متن یا سند احادیث به طور مستقل پرداخته نشده و شایسته است در تحقیقی دیگر بدان اقدام شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الاقتراح، ص ۴۸؛ یعقوب، امیل بدیع، موسوعه الصرف و النحو و الاعراب، ص ۲۰.
۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الاقتراح، ص ۵۲.
۳. ر.ک: بستانی، قاسم، معیارهای شناخت احادیث ساختگی، سراسر اثر.
۴. أبو هلال عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق اللغویة، ص ۲۸۵.
۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۰۰؛ همان، الخصال، ص ۵۱۳.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۸۳.
۷. أبو هلال عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق اللغویة، ص ۵۲۰.
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ص ۱۴.
۹. أبو هلال عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق اللغویة، ص ۵۲۰.
۱۰. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، ص ۱۹۵، کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۱؛ شیخ صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۲۴۰.
۱۱. بکری، عبدالله بن عبدالعزیز، معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع، ج ۲، ص ۷۰۵.
۱۲. حمیری، محمد بن عبد المنعم، الروض المعطار فی خبر الأقطار، ص ۲۹۵.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، ج ۲، ص ۱۱۸؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۷، ص ۴۹۹.
۱۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، ج ۴، ص ۹۵.
۱۵. مشهدی، میرزا محمد بن محمد، کنز الدقائق، ج ۱، ص ۴۷؛ بیضاوی، عبدالله بن عمر، التفسیر، ج ۱، ص ۵۴.

١٦. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، ص ٣٤٥؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ١٧، ص ٤٩٨.
١٧. حسینی، سید علی خان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام، ج ٧، ص ٢١٩؛ سخن محقق کتاب.
١٨. سجستانی، محمد بن عزیز، غریب القرآن، ص ٣٩١-٣٩٠.
١٩. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ج ١٦، ص ٩؛ شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ج ٧، ص ٨٣.
٢٠. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ٣، ص ٥٣٧؛ ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ٣، ص ٥٣٨.
٢١. رازی، عبدالرحمن بن محمد (أبو حاتم)، الجرح والتعديل، ج ٦، ص ١١٩؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الموضوعات، ج ٢، ص ١٤٦؛ نسائی، أحمد بن شعيب، الضعفاء و المتروکین، ص ٢٢١؛ عقیلی، محمد بن عمرو، الضعفاء، ج ٣، ص ١٧٨؛ ذهبی، محمد بن أحمد، میزان الاعتدال، ج ٣، ص ٢١٠؛ ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، تهذیب التهذیب، ج ٧، ص ٤١٤؛ همان، لسان المیزان، ج ٧، ص ٤٧٠.
٢٢. نحاس، أحمد بن محمد، معانی القرآن الکریم، ج ٣، ص ٢٦٥.
٢٣. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، ج ٢، ص ١١٥؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ٨، ص ٣٧٧.
٢٤. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، ج ٢، ص ٢١٨؛ قمی، علی بن ابراهیم، التفسیر، ج ١، ص ٢٩٨؛ عینی، محمود بن أحمد، عمده القاری، ج ١٨، ص ٢٧٨؛ نحاس، أحمد بن محمد، معانی القرآن الکریم، ج ٣، ص ٢٦٥؛ قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن الکریم، ج ٨، ص ٢٨١.
٢٥. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ج ٥، ص ٣١٦؛ طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ٢، ص ١٠٢، همان، مجمع البیان، ج ٥، ص ١٣٥؛ فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، الأصفی، ج ١، ص ٤٩٦؛ طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، ج ١، ص ٣١٧.

۲۶. سمعانی، منصور بن محمد، التفسیر، ج ۲، ص ۳۵۷.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۳۵.
۲۸. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر، ج ۳، ص ۳۴۸.
۲۹. نحاس، أحمد بن محمد، معانی القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۷۰.
۳۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۴، ص ۳۳۴؛ نووی، یحیی بن شرف، المجموع، ج ۱۶، ص ۳۰۰.
۳۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ص ۵۵۱؛ طبرسی، أحمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۷۰.
۳۲. نحاس، أحمد بن محمد، معانی القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۸۱-۱۸۲.
۳۳. محقق حلّی، جعفر بن حسن، المعتمد، ج ۲، ص ۲۷؛ هیثمی، علی بن أبی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۷، ص ۵۱.
۳۴. ابن إدريس حلّی، محمد بن منصور، مستطرفات السرائر، ص ۶۰۴؛ طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرين، ج ۲، ص ۵۰.
۳۵. ابن إدريس حلّی، محمد بن منصور، مستطرفات السرائر، ص ۵۴۴؛ عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، ج ۲، ص ۳۰۸.
۳۶. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، الاتقان، ج ۲، ص ۵۲۰.
۳۷. ابن علی علیه السلام، زید، المسند، ص ۹۹.
۳۸. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۱، ص ۳۶۴.
۳۹. محقق حلّی، جعفر بن حسن، المعتمد، ج ۲، ص ۲۷؛ بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۱، ص ۳۶۴؛ أزهری، محمد بن أحمد، تهذیب اللغة، ج ۱۰، ص ۶۸.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۸۲.
۴۱. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، ج ۳، ص ۴۷۷؛ أبوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط، ج ۶، ص ۶۸.
۴۲. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۹۵؛ شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، ج ۳، ص ۲۵۴.

۴۳. ثعالبی، عبدالرحمن بن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۹۰.
۴۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۲۷.
۴۵. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۵۶۱.
۴۶. أزهری، محمد بن أحمد، تهذیب اللغة، ج ۱۰، ص ۶۸.
۴۷. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، ج ۲، ص ۴۰۱؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۸، ص ۹۸، زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۱، ص ۱۳۰.
۴۸. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، ج ۲، ص ۹۳؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۸۹، زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۶، ص ۲۲۴.
۴۹. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، ج ۵، ص ۲۹۹؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۸، ص ۴۱۵.
۵۰. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۱، ص ۵۵۷.
۵۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، ج ۱، ص ۱۶۰؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۸، زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، ص ۱۱۸.
۵۲. أبو هلال عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق اللغویة، ص ۲۵۲؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۶، ص ۲۷۸.
۵۳. ثعلبی، أحمد بن محمد، الكشف و البیان، ج ۱، ص ۹۹؛ طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۵۳؛ همان، مجمع البیان، ج ۱، ص ۵۴؛ کفعمی، إبراهیم بن علی، المصباح، ص ۳۱۸؛ بهائی عاملی، محمد بن عزالدین، مشرق الشمسین و أکسیر السعادتین، ص ۳۹۷، فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، الصافی، ج ۱، ص ۸۱؛ سبزواری، هادی بن مهدی، شرح الأسماء الحسنی، ج ۱، ص ۶؛ جزائری، سید عبدالله، التحفة السنیة، ص ۲؛ حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۴؛ تهانوی، محمد بن علی، کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، ج ۱، ص ۸۴۷.

٥٤. حربى، إبراهيم بن إسحاق، غريب الحديث، ج ٣، ص ٩٤٣؛ ابن أثير، مبارك بن محمد، النهاية فى غريب الحديث والأثر، ج ٣، ص ٤٤؛ زبيدى، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ٨، ص ٨٨؛ ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ٤، ص ٤٥٠.

٥٥. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ١٥، ص ٥١.

٥٦. ابن أثير، مبارك بن محمد، النهاية فى غريب الحديث والأثر، ج ٣، ص ٤٣٤؛ ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ٤، ص ٥٥٨؛ ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، غريب الحديث، ج ٢، ص ٨٠.

٥٧. ابن أثير، مبارك بن محمد، النهاية فى غريب الحديث والأثر، ج ٤، ص ١٠٢؛ زبيدى، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ٩، ص ١٧٤؛ ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ٦، ص ٣٣٦.

٥٨. زبيدى، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ٦، ص ١٤٨.

٥٩. ابن أثير، مبارك بن محمد، النهاية فى غريب الحديث والأثر، ج ٥، ص ٢٤١.

٦٠. ابن أثير، مبارك بن محمد، النهاية فى غريب الحديث والأثر، ج ٥، ص ٢٤١؛ زبيدى، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ٦، ص ١٤٨.

٦١. ابن أبى الحديد، عبدالحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ج ٧، ص ٢٨٠؛ مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ٣٤، ص ٩٥، ج ٤١، ص ٣٣.

٦٢. ابن أثير، مبارك بن محمد، النهاية فى غريب الحديث والأثر، ج ٥، ص ١٧٧؛ ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ١٣، ص ٥٦٠؛ زبيدى، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ١٩، ص ١١٥.

٦٣. ابن قتيبه دينورى، عبدالله بن مسلم، غريب الحديث، ج ١، ص ٥٢٣.

٦٤. ابن أثير، مبارك بن محمد، النهاية فى غريب الحديث والأثر، ج ٣، ص ٣٨٢.

٦٥. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ١٢، ص ٤٣٩؛ زبيدى، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ١٧، ص ٥١٩.

٦٦. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، ج ٥، ص ٣٢٤؛ راوندى، فضل الله بن على، النوادر، ص ١١٦.

٦٧. حر عاملي، محمد بن حسن، الفصول المهمة في أصول الأئمة، ج ٣، ص ٣٩٤.
٦٨. طريحي، فخر الدين بن محمد، مجمع البحرين، ج ٣، ص ٣٢٧.
٦٩. ابن اشعث كوفي، محمد بن محمد، الجعفریات، ص ٩٤.
٧٠. متقى هندی، على بن حسام الدين، كنز العمال، ج ١٦، ص ٤١٣؛ سيوطي، عبدالرحمن بن أبي بكر، الدر المثلث، ج ٦، ص ١٥٩؛ آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، ج ٢٧، ص ١٤٣؛ ابن حبان، محمد، المجروحين، ج ١، ص ١٢٥؛ ابن عدی، عبدالله، الكامل، ج ٣، ص ٢٠٣؛ ذهبی، محمد بن أحمد، سير أعلام النبلاء، ج ٨، ص ٣٢٦؛ همان، ميزان الاعتدال، ج ١، ص ٢٤٤، ج ٢، ص ١٠٠.
٧١. متقى هندی، على بن حسام الدين، كنز العمال، ج ١٦، ص ٤٠٩.
٧٢. قاضي نعمان، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ج ٢، ص ١٩٧.
٧٣. أفطيش، محمد بن يوسف (أباضي)، شرح النيل و شفاء العليل، ج ١١، ص ٣٤٤.
٧٤. ابن قتيبة دينوري، عبدالله بن مسلم، عيون الأخبار، ص ٣٧٥.
٧٥. زمخشري، محمود بن عمر، ربيع الأبرار، ص ٤٦٧؛ حميري، نشوان بن سعيد، شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم، ج ٨، ص ٤٩٩٤.
٧٦. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، محاضرات الأدباء، ج ١، ص ٤١٠.
٧٧. مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٣٧.
٧٨. ابن قتيبة دينوري، عبدالله بن مسلم، غريب الحديث، ج ٢، ص ٢٣٩.
٧٩. مالک بن أنس، الموطأ، ج ١، ص ٣٣٦.
٨٠. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، الاستذكار، ج ٤، ص ٦٥؛ ابن أثير، مبارك بن محمد، النهاية في غريب الحديث والأثر، ج ٥، ص ١٤٧؛ همان، جامع الأصول في أحاديث الرسول، ج ٣، ص ١٠٣؛ ابن كثير، إسماعيل بن عمر، السيرة النبوية، ج ٤، ص ٢٥٤؛ مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ٣٠، ص ٦٣٣.
٨١. بستي، عياض بن موسى، مشارق الأنوار على صحاح الآثار، ج ٢، ص ٤؛ متقى هندی، على بن حسام الدين، كنز العمال، ج ٥، ص ١٦١؛ ابن أثير، مبارك بن محمد، النهاية في غريب

- الحديث والأثر، ج ۵، ص ۲۲؛ ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ۸، ص ۳۴۸؛ زبيدي، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۱، ص ۴۷۰.
۸۲. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق، ج ۳، ص ۲۷۸.
۸۳. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۵، ص ۶، ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۶۷.
۸۴. ابن قتيبة دینوری، عبدالله بن مسلم، غريب الحديث، ج ۲، ص ۳۷۲.
۸۵. صنعاني، عبدالرزاق، المصنف، ج ۳، ص ۶۰۰؛ طبرانی، سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، ج ۱، ص ۹۶؛ ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، التمهيد، ج ۹، ص ۱۵۸؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۱۸.
۸۶. ابن عمرو شيباني، احمد، الأحاد والمثاني، ج ۱، ص ۱۳۹، ۳۰۵.
۸۷. ابن كثير، إسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۸، ص ۴۸؛ ذهبی، محمد بن أحمد، تنقيح التحقيق، ج ۲، ص ۱۵۴.
۸۸. طبرانی، سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۰۳؛ بخاری، محمد بن اسماعيل، التاريخ الصغير، ج ۱، ص ۱۲۷، همان، التاريخ الكبير، ج ۲، ص ۳۸۱؛ خطيب بغدادی، احمد بن علي، تاريخ بغداد، ج ۱، ص ۱۵۴.
۸۹. بخاری، محمد بن اسماعيل، التاريخ الصغير، ج ۱، ص ۱۰۰؛ طبرانی، سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۰۵؛ حاكم نيشاپوری، محمد بن عبدالله، المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۴؛ هيثمی، علی بن أبي بكر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۱۹۸.
۹۰. موفق خوارزمی، ابن احمد، المناقب، ص ۳۹۷.
۹۱. بخاری، محمد بن اسماعيل، التاريخ الصغير، ج ۱، ص ۲۴۲؛ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۲۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۵۱.
۹۲. بخاری، محمد بن اسماعيل، التاريخ الصغير، ج ۱، ص ۳۰۹؛ همان، التاريخ الكبير، ج ۱، ص ۱۸۳.
۹۳. مانند: ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، الاستيعاب، ج ۳، ص ۱۱۲۲.
۹۴. ابن قتيبة دینوری، عبدالله بن مسلم، غريب الحديث، ج ۲، ص ۶۳۳.

۹۵. خطابی، حمد بن محمد، غریب الحدیث، ج ۱، ص ۱۷۵.
۹۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۴۵؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۷۹.
۹۷. قاضی نعمان، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۳۱.
۹۸. ابن بابویه، علی، فقه الرضا، ص ۱۸۳.
۹۹. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الكبرى، ج ۳، ص ۴۰۰؛ طبری، محمد بن جریر، التاريخ، ج ۲، ص ۴۵۱؛ ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ج ۱۳، ص ۳۸؛ از طبری، ابن هشام حمیری، السيرة النبوية، ج ۴، ص ۱۰۷۷.
۱۰۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، ج ۱، ص ۲۹۱ و ۲۹۲؛ شهید اول، محمد بن جمال الدین، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، ج ۱، ص ۳۶۱.
۱۰۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۰، ج ۳، ص ۱۴۳.
۱۰۲. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، ج ۳، ص ۴۲۱، ۴۷۴؛ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۸۴؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستذکار، ج ۳، ص ۳، از صنعانی.
۱۰۳. مسعودی، علی بن حسین، التنبیه والإشراف، ص ۲۴۴؛ ابن هشام حمیری، السيرة النبوية، ج ۴، ص ۱۰۷۷.
۱۰۴. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق، ج ۲، ص ۲۳۷؛ ابن کثیر، إسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، ج ۵، ص ۲۸۴؛ همان، السيرة النبوية، ج ۴، ص ۵۲۴؛ ابن أثير، مبارک بن محمد، النهاية فى غریب الحدیث والأثر، ج ۳، ص ۱۲.
۱۰۵. خطابی، حمد بن محمد، غریب الحدیث، ج ۱، ص ۵۹۷.
۱۰۶. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق، ج ۳، ص ۲۵۱.
۱۰۷. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة، ج ۱، ص ۲۹۸ به بعد.
۱۰۸. قمی، علی بن ابراهیم، التفسیر، ج ۲، ص ۲۶۹ به بعد.
۱۰۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۵.
۱۱۰. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ج ۳، ص ۳۶۰ به بعد.
۱۱۱. خطابی، حمد بن محمد، غریب الحدیث، ج ۱، ص ۶۸۷.

۱۱۲. خطابی، حمد بن محمد، غریب الحدیث، ج ۱، ص ۶۸۷؛ ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۴، ص ۷؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۵۹؛ دارمی، عبدالله بن بهرام، السنن، ج ۲، ص ۲۲۱، أبو داود، سلیمان بن أشعث سجستانی، السنن، ج ۱، ص ۵۸۲؛ ترمذی، محمد بن عیسی، السنن، ج ۳، ص ۱۱۸؛ نسائی، أحمد بن شعیب، السنن، ج ۸، ص ۲۱۹؛ همان، السنن الکبری، ج ۵، ص ۵۰۸؛ بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۴۳.

۱۲۹

۱۱۳. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۴۳.

حسنا

۱۱۴. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۴۳؛ عقیلی، محمد بن عمرو، الضعفاء، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ابن عدی، عبدالله، الكامل، ج ۲، ص ۱۲۶؛ ذهبی، محمد بن أحمد، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۴، ج ۴، ص ۳۱۷؛ ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۶۲؛ همان، لسان المیزان، ج ۶، ص ۲۰۳.

۱۱۵. خطابی، حمد بن محمد، غریب الحدیث، ج ۲، ص ۱۸۵.

۱۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ص ۴۹.

۱۱۷. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۰۲.

۱۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۲۴۶، شیخ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۳۹.

۱۱۹. مخشری، محمود بن عمر، الفائق، ج ۱، ص ۵۷؛ ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۱، ص ۷۷؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۶، ص ۱۷.

۱۲۰. خطابی، حمد بن محمد، غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۷۱.

۱۲۱. همان.

۱۲۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۶۱؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۵، ص ۷۳۳.

۱۲۳. حاکم نیشاپوری، محمد بن عبدالله، المستدرک، ج ۱، ص ۴۴۳؛ ج ۲، ص ۱۰۱، بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۵۷؛ همان، الآداب، ص ۲۷۳؛ هیشمی، علی بن أبی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۵، ص ۲۶۷؛ ابن خزیمه، محمد بن اسحاق، الصحیح،

ص ۱۴۰؛ طبرانی، سلیمان بن أحمد، المعجم الأوسط، ج ۸، ص ۱۰۳؛ ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی، المطالب العالیة، ج ۶، ص ۱۳۷، ابن فاخر قریشی، موجبات الجنة، ص ۲۰۱؛ متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۶، ص ۷۱۷-۷۱۶؛ بوصیری، احمد بن أبی بکر، إتحاف الخیرة المهرة بزوائد المسانید العشرة، ج ۳، ص ۱۵۲؛ سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، جمع الجوامع، ص ۳۰۵؛ همان، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۳؛ سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، المقاصد الحسنه فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهرة علی الألسنة، ص ۴۰۶؛ مقدسی، محمد بن طاهر، ذخیره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۵۰۲ که از منابع بالا نقل می کنند.

۱۲۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۵، ص ۴۹.

۱۲۵. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

۱۲۶. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۵؛ قاضی نعمان، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۸؛ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ص ۲۵۸.

۱۲۷. خطابی، حمد بن محمد، غریب الحدیث، ج ۲، ص ۳۸۳.

۱۲۸. ابن عدی، عبدالله، الكامل، ج ۳، ص ۲۲۱؛ ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۷، ص ۴۱۳؛ متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۶۳۱؛ عجلونی، اسماعیل بن محمد، کشف الخفاء، ج ۲، ص ۱۱ که از منابع قدیمی تر مثل منابع بالا نقل می کنند.

۱۲۹. سفارینی، محمد بن أحمد، لوامع الأنوار البهیة وسواطع الأسرار الأثریة، ج ۲، ص ۲۱۴؛ زمخشری، محمود بن عمر، الفائق، ج ۲، ص ۴۴۴؛ ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۳، ص ۳۸۰؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۳۸۳.

۱۳۰. أزهری، محمد بن أحمد، الزاهر فی غریب ألفاظ الشافعی، ص ۱۳۳.

۱۳۱. سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، المزهرة، ص ۱۰؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۳، ص ۳۵۲.

۱۳۲. حاکم نیشاپوری، محمد بن عبدالله، المستدرک، ج ۲، ص ۴۳۹؛ بیهقی، احمد بن حسین، شعب الإیمان، ج ۲، ص ۲۳۴.

۱۳۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۴۹۰؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، ج ۴، ص ۳؛ همان، الفتح الکبیر، ج ۱، ص ۲۳۱؛ همان، الخصائص الکبری، ج ۲، ص ۲۷۰؛ شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر، ج ۳، ص ۶؛ زرکشی، محمد بن بهادر بن عبد الله، البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۳۹۸.

۱۳۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۳۹.
۱۳۵. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، ج ۱، ص ۱۵۴؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، ص ۸۱؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶، ص ۱۱۴.

۱۳۶. زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۳۱۵.

۱۳۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۹.

۱۳۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۵؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۵۷؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۶۶.

۱۳۹. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، ج ۱، ص ۲۷۶؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۴۱، ج ۱۰، ص ۳۸؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ص ۲۰۰.

۱۴۰. أزهری، محمد بن أحمد، تهذیب اللغة، ج ۱، ص ۲۳۳.

۱۴۱. همان، ج ۳، ص ۲۴۶.

۱۴۲. ابن سلّام، قاسم، الأموال، ج ۳، ص ۱۷۲؛ مالک بن انس، الموطأ، ج ۱، ص ۲۷۰؛ ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، غریب الحدیث، ج ۱، ص ۱۷۸.

۱۴۳. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق، ج ۱، ص ۱۸۹.

۱۴۴. ابن آدم، یحیی، الخراج، ص ۳۹۸.

۱۴۵. أبوداود، سلیمان بن أشعث سجستانی، السنن، ج ۱، ص ۳۶۲؛ ابن سلّام، قاسم، الأموال، ج ۳، ص ۱۷۰؛ نسائی، أحمد بن شعیب، السنن، ج ۵، ص ۴۳؛ همان، السنن الکبری، ج ۲، ص ۲۲؛ بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۳۶؛ همان، معرفة السنن و الآثار، ج ۳،

- ص ۲۷۱ و ۲۷۲؛ دارقطنی، علی بن عمر، السنن، ج ۲، ص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ ابن خزيمة، محمد بن اسحاق، الصحيح، ج ۴، ص ۳۹ و ۴۰؛ حاکم نیشاپوری، محمد بن عبدالله، المستدرک، ج ۱، ص ۴۰۲، ج ۲، ص ۲۸۴؛ با عبارتی کم متفاوت.
۱۴۶. ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، غریب الحديث، ج ۱، ص ۱۷۷.
۱۴۷. شافعی، محمد بن إدريس، کتاب الأم، ج ۲، ص ۳۳.
۱۴۸. بیهقی، احمد بن حسین، معرفة السنن والآثار، ج ۳، ص ۲۷۱.

منابع:

۱. أفطيش، محمد بن يوسف (أباضيه)، شرح النيل و شفاء العليل، مكتبة الارشاد، بی تا، بی جا.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بی جا، بی تا (نرم افزار مكتبة أهل البيت عليهم السلام).
۳. ابن آدم، یحیی، الخراج، بی جا، بی تا (نرم افزار المكتبة الشاملة).
۴. ابن أبی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهيم، دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه، بی جا، بی تا.
۵. ابن أثير، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث والأثر، تحقیق طاهر أحمد الزاوی - محمود محمد الطناحي، بیروت، المكتبة العلمية، ۱۳۹۹هـ.
۶. _____، جامع الأصول فی أحاديث الرسول، تحقیق عبد القادر الأرنبوط - تحقیق بشیر عیون، بی جا، مكتبة الحلواني - مكتبة دار البيان ° دارالفکر، چاپ اول، ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۲م.
۷. ابن إدريس حلی، محمد بن منصور، مستطرفات السرائر، تحقیق لجنة التحقيق، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، چاپ دوم، ۱۴۱۱هـ.
۸. أبوداود، سليمان بن أشعث سجستاني، السنن، تحقیق سعید محمد اللحام، بی جا، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۱۰هـ.

۹. ابن اشعث كوفى، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مكتبة نينوى الحديثية، بی تا.

۱۰. ابن بابويه، على، فقه الرضا، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، مشهد، المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶هـ.

۱۱. ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، غريب الحديث، بيروت، تحقيق عبدالمعطى أمين قلعجى، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۹۸۵م.

۱۲. _____ الموضوعات، تحقيق عبدالرحمن محمد عثمان، مدينه منوره، المكتبة السلفية، چاپ اول، ۱۳۸۶ هـ.

۱۳. _____ زاد المسير، تحقيق محمد بن عبد الرحمن عبد الله، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۰۷هـ.

۱۴. ابن حبان، محمد، المجروحين، تحقيق محمود إبراهيم زايد، مکه مکرمه، دار الباز للنشر والتوزيع - عباس أحمد الباز، بی تا.

۱۵. _____ المطالب العالیة، بی تا، بی جا (نرم افزار المكتبة الشاملة).

۱۶. _____ تهذيب التهذيب، بيروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۰۴هـ.

۱۷. _____ لسان الميزان، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰هـ.

۱۸. ابن خزيمه، محمد بن اسحاق، الصحيح، تحقيق محمد مصطفى أعظمى، بی جا، المكتب الإسلامى، چاپ دوم، ۱۴۱۲ هـ.

۱۹. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دار صادر، بی تا.

۲۰. ابن سلّام، قاسم، الأموال، بی جا، بی تا (نرم افزار المكتبة الشاملة).

۲۱. ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل أبى طالب، تحقيق لجنة من أساتذة النجف الأشرف، نجف، المكتبة الحيدرية، ۱۳۷۶هـ.

٢٢. ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله، الاستذكار، تحقيق سالم محمد عطا- محمد علي معوض، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ٢٠٠٠م.
٢٣. _____، التمهيد، تحقيق مصطفى بن أحمد العلوي - محمد عبد الكبير البكري، مغرب، وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، ١٣٨٧هـ.
٢٤. _____، الاستيعاب، تحقيق علي محمد البجاوي، بيروت، دارالجيل، چاپ اول، ١٤١٢هـ.
٢٥. ابن عدي، عبدالله، الكامل، تحقيق يحيى مختار غزاوي، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ سوم، ١٤٠٩هـ.
٢٦. ابن عساكر، علي بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق علي شيري، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥هـ.
٢٧. ابن عطية، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، تحقيق عبد السلام عبد الشافي محمد، بی جا، دار الكتب العمليّة، چاپ اول، ١٤١٣هـ.
٢٨. ابن علي عليه السلام، زيد، المسند، بيروت، منشورات دار مكتبة الحياة، بی جا، بی تا.
٢٩. ابن عمرو شيباني، احمد، الآحاد والمثاني، تحقيق باسم فيصل أحمد الجوابرة، بی جا، دار الدراية للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤١١هـ .
٣٠. ابن فاخر قريشي، موجبات الجنة، تحقيق ناصر بن أحمد بن النجار دمياطي، مكتبة عباد الرحمن، چاپ اول، ١٤٢٣هـ.
٣١. ابن قتيبة دينوري، عبدالله بن مسلم، غريب الحديث، تحقيق عبد الله جبوري، بغداد، مطبعة العاني، چاپ اول، ١٣٩٧هـ.
٣٢. _____، عيون الأخبار، بی جا، بی تا(نرم افزار المكتبة الشاملة).
٣٣. ابن كثير، إسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، تحقيق علي شيري، بيروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ١٤٠٨هـ.
٣٤. _____، السيرة النبوية، تحقيق مصطفى عبد الواحد، بيروت، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، ١٣٩٥هـ.

۳۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ اول، بی تا.
۳۶. أبوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود - علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ.
۳۷. ابن هشام حمیری، السیرة النبویة، تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح وأولاده، ۱۳۸۳ هـ.
۳۸. أبو هلال عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق اللغویة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.
۳۹. أزهری، محمد بن أحمد، الزاهر فی غریب ألفاظ الشافعی، تحقیق محمد جبر الألفی، کویت، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۹۹ هـ.
۴۰. _____، تهذیب اللغة، تحقیق محمد عوض مرعب، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۲۰۰۱ م.
۴۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، دیار بکر ° ترکیا، المکتبه الإسلامیة، بی تا.
۴۲. _____، التاريخ الصغير، تحقیق محمود إبراهيم زايد، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ.
۴۳. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق سیدجلال الدین حسینی (محدث)، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۰ هـ.
۴۴. بستانی، قاسم، معیارهای شناخت احادیث ساختگی، اهواز، رسش، ۱۳۸۶ ش.
۴۵. بستی، عیاض بن موسی، مشارق الأنوار علی صحاح الآثار، المکتبه العتیقه ودار التراث، بی جا، بی تا.
۴۶. بکری، عبدالله بن عبدالعزیز، معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع، تحقیق مصطفی السقا، بیروت، عالم الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ.

٤٧. بهائي عاملى، محمد بن عزالدين، مشرق الشمسين و أكسير السعادتین، قم، منشورات مكتبة بصيرتى، بی تا.
٤٨. بوصيرى، احمد بن أبى بكر، إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة، رياض، دار الوطن، چاپ اول، ١٤٢٠ هـ.
٤٩. بيضاوى، عبدالله بن عمر، التفسير، بيروت، دار الفكر، بی تا.
٥٠. بيهقى، احمد بن حسين، السنن الكبرى، تحقيق محمد عبد القادر عطا، مكة مكرمه، مكتبة دار الباز، ١٤١٤ هـ.
٥١. _____ معرفة السنن والآثار، تحقيق سيد كسروى حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.
٥٢. _____ شعب الإيمان، بيروت، دار الكتب العلمية، تحقيق محمد سعيد بسيونى زغلول، چاپ اول، ١٤١٠ هـ.
٥٣. _____ الآداب، تحقيق أبو عبد الله السعيد المندوه، بيروت، مؤسسه الكتب الثقافية، چاپ اول، ١٤٠٨ هـ.
٥٤. _____ دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، تحقيق عبد المعطى قلعجى، بيروت ° قاهره، دار الكتب العلمية - دار الريان للتراث، چاپ اول، ١٤٠٨ هـ.
٥٥. ترمذى، محمد بن عيسى، السنن، تحقيق عبد الوهاب عبد اللطيف، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ دوم، ١٤٠٣ هـ.
٥٦. تهانوى، محمد بن على، كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، تحقيق على دحروج، ترجمه به عربى: عبد الله خالدى، ترجمه به انگليسى، جورج زينانى، بيروت، مكتبة لبنان ناشرون، چاپ اول، ١٩٩٦ م.
٥٧. ثعالبى، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فى تفسير القرآن، تحقيق عبد الفتاح أبو سنه - على محمد معوض - عادل أحمد عبد الموجود، بيروت، دار إحياء التراث العربى - مؤسسه التاريخ العربى، چاپ اول، ١٤١٨ هـ.

۵۸. ثعلبی، أحمد بن محمد، **الكشف و البیان**، تحقیق أبو محمد بن عاشور - نظیر ساعدی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ.
۵۹. جزائری، سید عبدالله، **التحفۃ السنیة**، نسخه خطی/میکروفیلم کتابخانه آستانه قدس.
۶۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح**، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۳۷۶ هـ.
۶۱. حاکم نیشاپوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک**، تحقیق یوسف عبد الرحمن مرعشلی، بی جا، بی تا.
۶۲. حر عاملی، محمد بن حسن، **الفصول المهمة فی أصول الأئمة**، تحقیق محمد بن محمد حسین قائینی، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.
۶۳. حربی، ابراهیم بن إسحاق، **غریب الحدیث**، مکّه مکرمه، تحقیق سلیمان ابراهیم محمد العاید، جامعه أم القرى، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ.
۶۴. حسینی، سید علی خان، **ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام**، تحقیق سید محسن حسینی آمینی، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ هـ.
۶۵. حمیری، نشوان بن سعید، **شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلوم**، تحقیق حسین بن عبد الله العمری - مطهر بن علی ایرانی - یوسف محمد عبد الله، بیروت ° دمشق، دار الفكر المعاصر - دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ.
۶۶. حمیری، محمد بن عبد المنعم، **الروض المعطار فی خبر الأقطار**، تحقیق إحسان عباس، بیروت، مؤسسه ناصر للثقافه، چاپ دوم، ۱۹۸۰ م.
۶۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه، **نور الثقلین**، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه إسماعیلیان للطباعه والنشر والتوزیع، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ هـ.

٦٨. خطابی، حمد بن محمد، **غریب الحدیث**، مکہ مکرمہ، تحقیق عبد الکریم ابراہیم عزباوی، جامعہ أم القری، ١٤٠٢ھ۔
٦٩. خطیب بغدادی، احمد بن علی، **تاریخ بغداد**، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ١٤١٧ھ۔
٧٠. دارقطنی، علی بن عمر، **السنن**، تحقیق مجدی بن منصور سید شوری، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ١٤١٧ھ۔
٧١. دارمی، عبدالله بن بهرام، **السنن**، دمشق، ١٣٤٩ھ۔
٧٢. ذہبی، محمد بن أحمد، **میزان الاعتدال**، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر، بی تا.
٧٣. _____، **سیر أعلام النبلاء**، تحقیق علی أبو زید، بیروت، مؤسسہ الرسالہ، چاپ نهم، ١٤١٣ھ۔
٧٤. _____، **تنقیح التحقيق فی أحادیث التعليق**، تحقیق مصطفی أبو الغیظ عبد الحی عجیب، ریاض، دار الوطن، ١٤٢١ھ۔
٧٥. رازی، عبدالرحمن بن محمد (أبو حاتم)، **الجرح والتعديل**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ١٣٧٢ھ۔
٧٦. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، نسخه تحقیق شده، دمشق، دار النشر / دار القلم، بی تا.
٧٧. _____، **محاضرات الأدباء**، بی جا، بی تا (نرم افزار المكتبة الشاملة).
٧٨. راوندی، فضل الله بن علی، **النوادر**، تحقیق سعید رضا علی عسکری، قم، مؤسسہ دار الحدیث الثقافیة، چاپ اول، بی تا.
٧٩. زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٤ هـ۔
٨٠. زرکشی، محمد بن بهادر بن عبد الله، **البحر المحيط فی أصول الفقه**، تحقیق محمد محمد تامر، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤٢١ھ۔

۸۱. زمخشری، محمود بن عمر، **الكشاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل**، مصر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده - عباس ومحمد محمود الحلبي وشركاهم ° خلفاء، ۱۳۸۵ هـ.
۸۲. _____ **الفائق في غريب الحديث**، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.
۸۳. _____ **ربيع الأبرار**، بی جا، بی تا (نرم افزار المكتبة الشاملة).
۸۴. سبزواری، هادی بن مهدی، **شرح الأسماء الحسنى**، قم، منشورات مكتبة بصيرتی، بی تا.
۸۵. سجستانی، محمد بن عزیز، **غريب القرآن**، تحقیق محمد اديب عبد الواحد جمران، دار قتیبة، بی جا، ۱۴۱۶ هـ.
۸۶. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، **المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة**، دار الكتاب العربي، بی جا، بی تا.
۸۷. سفارینی، محمد بن أحمد، **لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرء المضية في عقد الفرقة المرضية**، دمشق، مؤسسه الخافقين ومکتبتها، چاپ دوم، ۱۴۰۲ هـ.
۸۸. سمعانی، منصور بن محمد، **التفسير**، تحقیق یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، ریاض، دار الوطن، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.
۸۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **المزهر**، بی جا، بی تا (المکتبة الشاملة).
۹۰. _____ **الاقتراح في علم اصول النحو**، تحقیق احمد محمد قاسم، قم، افست نشر ادب الحوزه، بی تا.
۹۱. _____ **الفتح الكبير في ضم الزيادة إلى الجامع الصغير**، تحقیق یوسف نبهانی، بیروت، دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ.

٩٢. _____ الخصائص الكبرى، بيروت، دار النشر/دار الكتب العلمية،
١٤٠٥هـ.
٩٣. _____ جمع الجوامع يا الجامع الكبير، بي تا، بي جا(نرم افزار المكتبة
الشاملة).
٩٤. _____ الجامع الصغير من حديث البشير النذير، بي جا، بي تا(نرم افزار
المكتبة الشاملة).
٩٥. _____ الإتقان في علوم القرآن، تحقيق سعيد المندوب، لبنان، دارالفكر،
چاپ اول، ١٤١٦هـ.
٩٦. _____ الدر المنثور، بيروت، دار المعرفة للطباعة والنشر، بي تا.
٩٧. شافعي، محمد بن إدريس، كتاب الأم، بي جا، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع،
چاپ دوم، ١٤٠٣هـ.
٩٨. شهيد اول، محمد بن جمال الدين، ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، تحقيق مؤسسة
آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء
التراث، چاپ اول، ١٤١٩هـ.
٩٩. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، عالم الكتب، بي جا، بي تا.
١٠٠. شيخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقيق علی أكبرغفاری، قم، منشورات جماعة
المدرسين في الحوزة العلمية، ١٤٠٣هـ.
١٠١. _____ معاني الأخبار، تحقيق علی أكبرغفاری، قم، مؤسسة النشر
الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٣٧٩هـ.
١٠٢. _____ من لا يحضره الفقيه، تحقيق علی أكبر غفاری، قم، مؤسسة النشر
الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، چاپ دوم، بي تا.
١٠٣. _____ علل الشرائع، تقديم سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف،
منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها، ١٣٨٥هـ.

۱۰۴. _____، **ثواب الأعمال**، تقديم سيد محمد مهدي سيد حسن الخراسان، قم، منشورات الشريف الرضي، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش.
۱۰۵. شيخ طوسي، محمد بن حسن، **الخلافة**، تحقيق سيد علي خراساني، سيد جواد شهرستاني، شيخ مهدي نجف، قم، مؤسسه النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۹هـ.
۱۰۶. _____، **تهذيب الاحكام**، تحقيق سيد حسن موسوي خراسان، تهران، دارالکتب الاسلاميه، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
۱۰۷. _____، **التبيان**، تحقيق أحمد حبيب قصير العاملي، بي جا، مكتب الإعلام الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۰۹هـ.
۱۰۸. صنعاني، عبدالرزاق، **المصنف**، تحقيق حبيب الرحمن اعظمي، منشورات المجلس العلمي، بي جا، بي تا.
۱۰۹. طبراني، سليمان بن أحمد، **المعجم الأوسط**، تحقيق قسم التحقيق بدار الحرمين، دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع، بي جا، ۱۴۱۵ هـ.
۱۱۰. _____، **المعجم الكبير**، تحقيق حمدي عبد المجيد السلفي، بي جا، دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، بي جا.
۱۱۱. طبرسي، أحمد بن علي، **الاحتجاج**، تحقيق سيد محمد باقر خراسان، نجف، دار النعمان للطباعة والنشر، ۱۳۸۶هـ.
۱۱۲. طبرسي، حسن بن فضل، **مكارم الأخلاق**، منشورات الشريف الرضي، چاپ ششم، ۱۳۹۲هـ.
۱۱۳. طبرسي، فضل بن حسن، **مجمع البيان**، تحقيق لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.
۱۱۴. _____، **جوامع الجامع**، چاپ اول، تحقيق مؤسسه النشر الإسلامي، قم، مؤسسه النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۸هـ.

۱۱۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ هـ.
۱۱۶. _____، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق: گروهی از دانشمندان، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ هـ.
۱۱۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تحقیق: سید أحمد حسینی، مکتب النشر الثقافه الإسلامیه، چاپ دوم، بی جا، ۱۴۰۸ هـ.
۱۱۸. عجلونی، اسماعیل بن محمد، كشف الخفاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۰۸ هـ.
۱۱۹. عقیلی، محمد بن عمرو، الضعفاء، تحقیق: عبد المعطی أمین قلعجی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هـ.
۱۲۰. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الإسلامیه، بی تا.
۱۲۱. عینی، محمود بن أحمد، عمده القاری، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۱۲۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، بی جا، بی تا (نرم افزار المکتبه الشامله).
۱۲۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، الصافی، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۶ هـ.
۱۲۴. _____، الأصفی، تحقیق مرکز الأبحاث والدراسات الإسلامیه، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، چاپ اول، بی جا، ۱۴۱۸ هـ.
۱۲۵. قاضی نعمان، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره، دار المعارف، چاپ دوم، بی تا.
۱۲۶. قرطبی، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن الکریم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ هـ.

۱۲۷. قمی، علی بن ابراهیم، التفسیر، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، قم، مؤسسه دار
الکتاب للطباعة والنشر، چاپ سوم، ۱۴۰۴هـ.

۱۲۸. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ
سوم، ۱۴۰۳هـ.

۱۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب
الإسلامیة، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.

۱۳۰. مالک بن انس، الموطأ، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث
العربی، ۱۴۰۶هـ.

۱۳۱. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری حیانی و شیخ
صفوة السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹هـ.

۱۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، چاپ اول، بی جا، ۱۴۱۳هـ.

۱۳۳. محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتمد، تحقیق عده من الأفاضل/إشراف ناصر مکارم
شیرازی، قم، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، بی تا.

۱۳۴. مسعودی، علی بن حسین، التنبيه والإشراف، بیروت، دار صعب، بی تا.

۱۳۵. مشهدی، میرزا محمد بن محمد، كنز الدقائق، تحقیق مجتبی عراقی، قم، مؤسسه
النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسين، ۱۴۰۷هـ.ق.

۱۳۶. مقدسی، محمد بن طاهر، ذخیره الحفاظ، تحقیق عبد الرحمن الفریوانی، ریاض، دار
السلف، ۱۴۱۶هـ.

۱۳۷. موفق خوارزمی، ابن احمد، المناقب، تحقیق: مالک محمودی، قم، مؤسسه النشر
الإسلامی التابعه لجماعة المدرسين، چاپ دوم، ۱۴۱۴هـ.

۱۳۸. نحاس، أحمد بن محمد، معانی القرآن الکریم، تحقیق محمد علی صابونی،
عربستان، جامعه أم القرى، چاپ اول، ۱۴۰۹هـ.

۱۳۹. نسائی، أحمد بن شعیب، الضعفاء والمتروکین، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ.

۱۴۰. _____ السنن، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۳۴۸ هـ.

۱۴۱. _____ السنن الكبرى، تحقیق عبد الغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ.

۱۴۲. نووی، یحیی بن شرف، المجموع، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع، بی جا، بی تا.

۱۴۳. هیشمی، علی بن أبی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م.

۱۴۴. یعقوب، أمیل بدیع، موسوعة الصرف و النحو و الاعراب، ترجمه قاسم بستانی و محمد رضا یوسفی، قم، انتشارات اعتصام، ۱۴۲۰ هـ.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی